

سیاستگذاری دولت در قالب برنامه مالی یک ساله (بودجه سنواتی) از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا هدف از بودجه، ایجاد بستر مناسب برای دستیابی به اهداف تعیین شده در برنامه میان مدت توسعه است. اصولاً این سوال مطرح می‌شود که آیا در قانون بودجه سالانه سیاستها و تعهدات دولت، که مبنای سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی بوده است، می‌تواند نقض شود؟ همچنین طی سنوات اخیر مالیات‌ستانی تورمی، از توان مالی بنگاه‌های اقتصادی کاسته و بحران کمبود نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی را تشدید کرده است. بنابراین سیاست‌های مالیاتی در سال جاری فشار مضاعفی را فعالان اقتصادی وارد خواهد کرد. تحمیل بخش عمده‌ای از فشارهای مالیاتی بر دوش اشخاص حقوقی خصوصی به صورت مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده به صورت غیرمستقیم می‌تواند آثار منفی بر عملکرد مشاغل و کسب و کارها داشته باشد. آنچه در شرایط کنونی اهمیت دارد و در قالب سیاست‌های قانون بودجه ۱۴۰۳، بایستی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد ایجاد ظرفیت‌های مالیاتی و چگونگی کم و کیف رشد درآمدهای مالیاتی است، لیکن سوال اساسی درخصوص رشد درآمدهای مالیاتی در قالب احکام تبصره‌های قانون بودجه ۱۴۰۳، این است که در راستای حمایت از تولید است یا بر ضد تولید خواهد بود؟ تحلیل احکام و ارقام کلان قانون بودجه ۱۴۰۳، گویای آن است که سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدها حدود 76 درصد و سهم آن از منابع عمومی دولت حدود 48 درصد می‌باشد و نسبت به قانون بودجه سال ۱۴۰۲، نزدیک به 63 درصد رشد نشان می‌دهد. بررسی سیاست‌های مالیاتی در قالب تبصره‌های بودجه ۱۴۰۳، لزوماً در جهت حمایت و جهش تولید بنظر نمی‌رسد. بالا رفتن نرخ مالیات بر ارزش افزوده به میزان یک واحد درصد، بدلیل تشدید شرایط تورمی می‌تواند به شرایط رکودی و محدودیت بیشتر نقدینگی واحدهای تولیدی دامن بزند.

سیاست کاهش نرخ مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی به میزان 5 واحد درصد در قالب حکم تبصره (۷) ماده (۱۰۵) و تبصره ماده (۱۳۱) قانون مالیات‌های مستقیم اگر چه به ظاهر مشوق مالیاتی تلقی می‌شود لیکن مشروط کردن آن به افزایش بیش از 40 درصدی درآمد مشمول مالیات ابرازی به معنای افزایش میزان قیمت و فروش اشخاص فوق بوده و عملاً استفاده از این مشوق بسیار محدود بوده و کارائی لازم را نخواهند داشت. منطقی یکی از راه‌های تامین منابع غیرتورمی بودجه، استفاده از درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی یا استقراض از بانک مرکزی است. به‌طور طبیعی پیش فرض این است که مردم نیز با افزایش نرخ‌های مالیاتی همراه شوند و سیاستگذار می‌تواند با پوشش کسری بودجه از منابع مالیاتی، نرخ تورم را کاهش دهد. اما اگر این افزایش میزان مالیات باعث کاهش انگیزه فعالیت در بخش رسمی باشد، چرخه‌ای تشکیل می‌شود که خود باعث کاهش اعتماد، افت درآمدهای مالیاتی و به تبع آن کاهش منابع دولت خواهد شد. بیشترین رشد اجزای درآمدهای مالیاتی دولت در سال آینده مربوط به دو بخش «مالیات اشخاص حقوقی» و «مالیات بر کالاها و خدمات» است که دولت به ترتیب رشد ۵۳.۵ و ۵۴.۵ درصد رشد را نسبت به قانون بودجه امسال برآورد کرده است.

اجرای سیاست های مالیاتی بر اساس آنچه تعریف شده است، رشد درآمدها را در کشور موجب خواهد شد و بر اساس آمار منتشر تا کنون نیز آنچه تا کنون پیش بینی شده، محقق شده است و مطابق آنچه در قانون بودجه 1403 پیش بینی شده است میزان درآمدهای مالیاتی افزایش نیز یافته است. بررسی ها مطابق تجارب سال های قبل حاکی است با افزایش درآمدهای مالیاتی در سال جاری فشار بیشتری متوجه طبقه آسیب پذیر جامعه خواهد شد، از سوی دیگر با توجه به نرخ تورم در سال آینده خود به خود نرخ درآمدهای مالیاتی همزمان با کسب درآمدها افزایش خواهد یافت و به این ترتیب مالیات ستانی فشار مضاعفی برای طبقه ای خاص خواهد بود.

شواهد و قرائن و تجارب گذشته گویای این واقعیت است شیوه تأمین کسر بودجه در نهایت به تورم منجر می شود که تخریب کننده اقتصاد و گسترش فقر است. بدیهی است همواره تأمین رفاه جامعه باید در اولویت نخست وظایف و تکالیف دولت ها قرار گیرد. اگر چه در کشورهای توسعه یافته مالیات از مهم ترین ابزار تأمین کننده مصارف بودجه دولت ها محسوب می شود لیکن در کشور ما به دلیل ساختار معیوب و فقدان نظم اقتصاد دستوری و اتکا به درآمدهای آسان نفتی چندان مورد توجه قرار نگرفته و اندیشه اصلاح ساختار مالیاتی هیچگاه از حوزه تفکر و نوشتار به قلمرو عمل درنیامده است.

از آنجا که این درآمدها در راه افزایش رفاه مردم به مصرف می رسد و یا به عبارتی مردم آثار پرداخت مالیات را در زندگی خود احساس می کنند خود را موظف به پرداخت مالیات می دانند، به بیانی دیگر مالیات دهی به مثابه یک فرهنگ پذیرفته شده است. اما در کشور ما به دلیل عملکرد نامطلوب دولت ها در ارائه خدمات و تأمین رفاه از یک سو و عدم رعایت عدالت مالیاتی از دیگر سوی، مؤدیان، مالیات را نوعی اجحاف تلقی می کنند زیرا آثار اقتصادی و اجتماعی آنرا در زندگی خود لمس نمی کنند. این در حالیست که اگر عدالت مالیاتی در فرایند مالیات ستانی مورد توجه قرار گیرد واز توزیع رانت و اتلاف منابع و فساد در دیوانسالاری جلوگیری شود و منابع به نحو بهینه بین نیازهای واقعی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی و زیست محیطی تخصیص یابند بی شک مردم به پرداخت مالیات رغبت بیشتری نشان می دهند. در حال حاضر بیشترین بار مالیاتی بر دوش طبقات ضعیف مانند کارمندان و کارگران و واحدهای صنعتی و خدماتی و اصناف بخش خصوصی است.

در سال 1402 حدود 804 همت مالیات بدون ملحوظ نمودن مالیات بر واردات وصول شده است و این بدین معناست که منابع از بخش غیر دولتی شامل تمامی فعالان اقتصادی و درآمدها و اموال و دارایی مردم به دولت منتقل شده است. به عبارتی منابعی که می توانست سرمایه گذاری شود یا بعنوان قدرت خرید به تقاضای بخش خصوصی و رونق تولید کمک نماید. در احکام مالیاتی سال جدید در حوزه املاک و خودرو دولت و مجلس تلاش نموده به ظاهر هم از سیاست تشویقی و هم توزیعی برای وصول مالیات استفاده نماید. اگر چه استفاده از سیاست مالیاتی در بودجه سنواتی خود یک چالش تلقی می شود و مالیات دهندگان را اعم از شرکت ها و مردم با سردرگمی و اختلال در برنامه ریزی مواجه می نماید و اصل ثبات در سیاستهای مالیاتی را مخدوش و حقوق قانونی مردم در دادرسی عادلانه را به چالش کشیده و موجب تضییع آن می شود.